

نگاه

پیکر زویا امامی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون در کنار فرزندش آرام گرفت

ایسنا: روز گذشته ۲۰ آبان‌ماه، زویا امامی با خاطره‌گویی و اندوه همسرش، کاظم هژیرآزاد (بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون) و سخنرانی حمیدرضا نعیمی و امیر کربلایی‌زاده، از هنرمندان تئاتر، به خاک سپرده شد.

در این مراسم که با حضور همایون اسعدیان، منوچهر علی‌پور، علی گیله‌وری، محمد پیروهادی (بازیگر قدیمی)، سیدسام بهشتی، پانته‌آ قدیریان، شکرخدا گودرزی، هوشمند هنرکار و... برگزار شد، به نمایندگی از کاظم هژیرآزاد متنی در رثای «زویا امامی» خوانده شد.

در بخش‌هایی از این متن آمده است: «ما امروز برای خاکسپاری زویا امامی گردهم آمدیم که زندگی و عشق را با هنر و انسانیت درهم‌آمیخته بود. او آموزشش را از استاد اسکویی و گروه آناهیتا گرفت و در همان روزهای حضورش بر صحنه نگاهی عمیق و درونی به بازیگری داشت. فعالیت حرفه‌ای زویا امامی با حضور موفق در سریال «وکلای جوان» در سال ۷۵ آغاز شد و پس از آن در کارهای متفاوتی در سینما و تلویزیون خوش درخشید». در بخش دیگری از این متن، کاظم هژیرآزاد از خاطره آشنایی و ازدواجش با زویا امامی سخن گفته و یادآور شده است: «پدرش دوست دیرینم بود. گفت دخترم کلاس نقاشی می‌رفت و شاگرد سمیرا امیرابراهیمی بود اما کلاسش بسته شد و دلش در خانه ماند. لیخند زدم و گفتم ما کلاسی داریم به نام «آناهیتا» و نام «آناهیتا» رشته سرنوشته را میان ما گره زد. پدرش گفت امشب دخترم را تشویق می‌کنم که بنیاید.

زویا آمد. از مصطفی اسکویی فن بازیگری آموخت و از مهدی فتحی بیان را. قرار بود نمایشی دوباره بر صحنه جان بگیرد و در تمرین‌هایی بی‌انجام عشق خاموشی آغاز شد. اما در آناهیتا را بستند و ما ماندیم بی‌پناه صحنه. روزی به دروغ به او گفتم برای آناهیتا جلسه داریم، ساعت پنج پارک لاله. دروغی شیرین برای دیداری راستین با دلی تپنده. کنار در پارک ایستاد، پرسید پس گروه کجاست؟ گفتم خواهند آمد. نشستیم از هر دری سخن گفتیم و مدام می‌گفت جلسه چه شد؟ و من سرانجام گفتم زویا! من به تو دروغ گفتم، این جلسه فقط برای توست. دوست دارم و می‌خواهم با تو ازدواج کنم. سه ساعت ناب گذشت. بله نگفت اما صدایش حس رضایت می‌داد. گفتم به پدر و مادرش بگو چه وقت برای خواستگاری بیایم؟ سر به زیر انداخت و گفت: چشم. استناد آن روز یقین کردم از من خوشش آمده است. جسارت دروغ عاشقانام را قهرمانانه دید.

تماس‌ها ادامه یافت تا روزی که پدرش گفت برای خواستگاری بروم. با دسته کل به همراه پدر و مادرم به نیاوران رفتم و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۲ خانه پدری ما گواه پیمان ما شد. با هم کار کردیم در صحنه، پرده و در قاب تلویزیون، اما تلویزیون عاشق او شد.

در سریال‌ها و نمایش‌های بسیاری درخشدید تا روزی که با تهیه‌کننده «معمای شاه» (علی لدونی) اختلافی افتاد و زویا تلویزیون را برای همیشه ترک گفت. سال ۱۳۹۹ کرونا به خانه ما آمد. ما واکسن زدیم اما آرمان پسر ۳۶ساله‌ام هنوز بود و یک هفته بعد او رفت و ما ماندیم.

زویا شکست، افسردگی بر او سایه انداخت و پارکینسون آمد و تن او دیگر تاب نیاورد. ۱۵ آبان ۱۴۰۴ از اجرائی تئاتر برگشتم. صحنه‌ای که هیچ‌کس تاب دیدنش را نداشت. اورژانس آمد. آن شب زویا رفت بی‌خداحافظی. اکنون من مانده‌ام بی‌همدم و بی‌دلسوز. او همیشه تا دم در بدرقه‌ام می‌کرد و آن پنجشنبه هم همین گونه بود. در را بست و گفت خداحافظ. اما دیگر نگشود. پسرمر از کانادا زنگ زد، او جواب نداد، پیکیر احوالش از من شد. گفتم حتما خواب است. بعد از اجرا تماس می‌گیرم. اجرا تمام شد اما او دیگر بیدار نشد». کاظم هژیرآزاد با اشاره به همکاری دوستان و یارانش در پیگیری مراسم خاکسپاری زویا امامی از آنها قدردانی کرد و ادامه داد: اکنون همه ما اینجا هستیم بر زویا. می‌خواهم برای همیشه با او خداحافظی کنم. زویا بازیگری محبوب و بی‌ادعا بود؛ مردم‌دار، بودنش نعمت و نبودنش زخمی بر دل. هر چه او خواست رضایم بر رضای اوست.

حمیدرضا نعیمی، بازیگر و کارگردان تئاتر، در بخشی از مراسم خاکسپاری زویا امامی با اشاره به درگذشت این هنرمند، به بیان خاطرات و احساسات خود نسبت به همسر هنرمندش، کاظم هژیرآزاد پرداخت.

او با بیان اینکه «اتفاق عجیب‌تری که در چهل‌مین روز مادرم دیدم، خبر درگذشت زویای عزیز بود». ادامه داد: من خیلی افتخار نشست و برخاست با ایشان را نداشتیم، اما خودم را به عنوان نسل بعد از استاد کاظم هژیرآزاد، مدیون ایشان می‌دانم.

او افزود: نسلی که از ایشان تکنیک یاد نگرفت، اما اگر معرفت، زندگی‌دوستی، رفاقت و مردم‌داری را یاد گرفته باشیم، خیلی آدم‌های خوشبختی هستیم. کارهای قشنگ استاد هژیرآزاد (همسر زویا امامی) برای من همیشه یادآور این است که چه آشیانه قشنگی این بزرگ داشته که توانسته این معرفت را در تمام لحظات زندگی‌اش جاری کند.

این بازیگر تئاتر با تأکید بر اهمیت خانواده گفت: اگر خانه جای عاشقانه‌ای نباشد، هیچ مرد و هنرمندی نمی‌تواند به چنین روح بزرگی که آقای هژیرآزاد رسید، برسد. پس یعنی خانه جای عاشقانه‌ای بوده و عشق‌بازی کرده با همدمش. نعیمی با بیان تأثیر خبر درگذشت زویا امامی بر خود گفت: این دو، سه روز بر تمام درد بزرگی که داشتم، این درد اضافه شد. چرا؟ چون من عاشق آقای هژیرآزادم و وقتی دیدم بزرگم، استادم، عزیزم و رفیقم این‌گونه تنهات، فقط گفتم خدایا پسر ناب‌نیش را برایش حفظ کن.

او با ابراز نگرانی از فقدان بزرگان عرصه فرهنگ و هنر گفت: پشت ما دارد از رفتن بزرگانمان خالی می‌شود. بودن کاظم هژیرآزاد یک نعمت است و من بشخصه قدر این نعمت را دانستم و همیشه شاگردی‌ام را اعلام کردم.

نعیمی در پایان با بیان خاطره‌ای از نحوه یادداشت‌نویسی روزانه هژیرآزاد، خطاب به او گفت: روزی که شما، استاد عزیز، در نمایش «تور» برای من بازی می‌کردید، من شاهد عادت همیشگی‌تان بودم؛ یادداشت‌نگاری. هر روز یک دفتر دست‌تان بود و با سررسید مشغول نوشتن می‌شدید. همیشه نوشته‌های روزانه‌تان را بعد از گروه می‌گذاشتید. اما من کنج‌کاو آن دفتر و آن لحظات پیش از انتشار بودم.

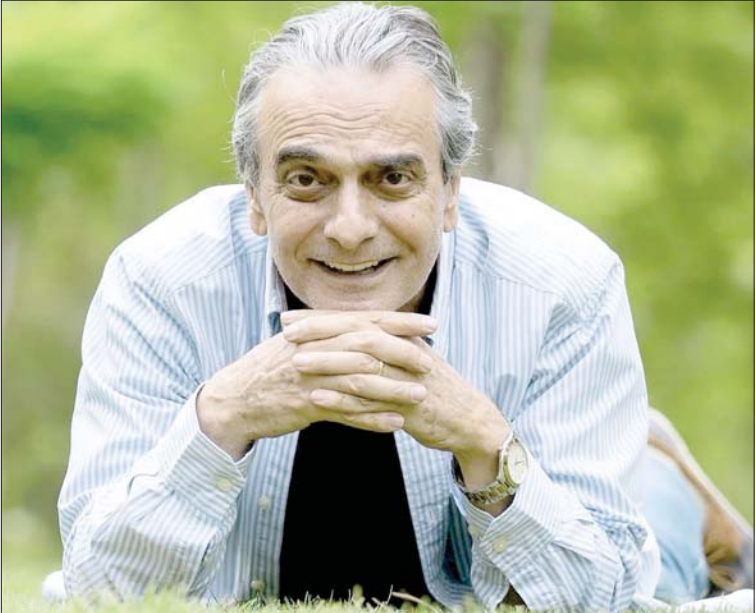
او ادامه داد: راستش را بخواهید، یک روز که شما اتاق را ترک کرده بودید، من دفتر یادداشت‌تان را روی میز دیدم. نتوانستم جلوی کنج‌کاوی خودم را بگیرم. می‌دانم که این کار درست نبود و بدون اجازه بود، اما گفتم: «بینم کاظم هژیرآزاد چه می‌نویسد؟». نعیمی یادآور شد: رفتم و در دفتر را کشودم. با همان قلم، با همان خط‌خوردگی‌های آشنا، دیدم که دارید لحظه به لحظه زندگی‌تان، نه‌فقط کارتان را روی کاغذ می‌آوردید. داشنتید زندگی‌تان را می‌نوشتید. در آن لحظه، برای من مثل یک مکاشفه بود. گویی می‌خواستید به من، به طور غیرمستقیم، یاد بدهید که چیزی که این مملکت حداقل به آن نیاز دارد، کتابت و نوشتن است. و این نوشتن‌ها در کار هنر بسیار ضروری است.

او یادآور شد: از همان لحظه بود که من یاد گرفتم برای هر چیزی که انجام می‌دهم، حتما باید یادداشت کنم. این درس، میراثی است که از شما به من رسید. پس بگذارید دوباره تأکید کنم، همیشه شاگرد شما هستم، همیشه آرزوی سلامتی‌تان را دارم و از خدا می‌خواهم سالیان سال، تندرست و پایدار باشید و برایتان شکیبایی آرزو می‌کنم.

«تصمیم گرفتم به جوری خودمو خلاص کنم از این زندگی، حالا دل‌بیشم نه به درد شما می‌خوره نه اینکه من می‌تونم بگم. اگرم بگم متوجه نمی‌شی. نه اینکه نفهمی، می‌فهمی من چمه، اما حسش نمی‌تونی یکنی، نه می‌تونی با من همدردی کنی... می‌تونی بفهمی من چمه، می‌تونی زبونی با من همدردی کنی، ولی حسش نمی‌تونی یکنی...»؛ این بخشی از دیالوگ‌های به‌یادماندنی همایون ارشادی در فیلم تحسین‌شده «طعم گیلاس» به کارگردانی عباس کیارستمی است، او که بعد از یک دوره بیماری صبح روز ۲۰ آبان ۱۴۰۴ در ۷۸سالگی درگذشت.

«طعم گیلاس» جایزه نخل طلا جشنواره فیلم کن را در سال ۱۹۹۷ دریافت کرد و همایون ارشادی درخشید. ارشادی در گفت‌وگو با «شرق» درباره تجربه همکاری با عباس کیارستمی، به این موضوع اشاره کرد که اساسا عباس کیارستمی مسیر زندگی او را تغییر داد: «این نکته شاید بر آنها که مرا می‌شناسند پوشیده نباشد. اما آنچه حتی بر من پوشیده بود، این بود که او چگونه زندگی بسیاری را در ایران و در سایر نقاط جهان تحت تأثیر قرار داده بود و چگونه مرگ نابهنگامش، افرادی از سنین مختلف، جنسیت متفاوت و فرهنگ‌های گوناگون را با فقدانی کم‌نظیر روبه‌رو کرد. عباس کیارستمی، که خود را برای همیشه مدیون او می‌دانم و همیشه جز در نوشتار «آقای کیارستمی» خطابش می‌کردم، هیچ‌کاری را مثل دیگران انجام نمی‌داد و فیلم‌هایش نیز شباهتی به فیلم‌های دیگران نداشت، در جایی نوشته بود که می‌خواهد به مرگ خودش بمیرد و نه به مرگ پزشکشان و بزرگ‌ترین اوقوسوم در رابطه با او این است که چرا نگذاشتند که به «سبک» خودش مرگ را تجربه کند. شاید هم علیرغم همه دخالت‌ها به نوعی به سبک خودش رفت؛ نمی‌دانم! اما آنچه می‌دانم این است که تا روزهای آخر «به سبک خودش» به جهان نگریست و آخرین حرفی که به من زد این بود: همایون، به‌زودی ۲۰سالگی طعم گیلاس را می‌توانی به «این» مناسبت یادآوری کنی و در «این» مراسم فیلم را نمایش دهی. من که دیدن تن بیمارش بی‌تابم می‌کرد، بدون توجه به منظورش با خنده‌ای مصنوعی گفتم: عالی، بیستمین سال را با نمایش طعم گیلاس جشن می‌گیریم. پوزخندی آشفته زد و با صدایی که بسیار ضعیف شده بود گفت: حالا این همه خنده لازم نیست. صحبت از مراسم ترحیم است. دلم ریخت اما به روی خودم نیاوردم و با صدایی که حتما نتوانسته بودم اصلاح کنم و بسیار ناباوری در خود داشت گفتم: نه جشن سلامتی؛ زندگی دوباره، تولدی دیگر برای شما و برای طعم گیلاس. ناباوری اما هوای اتاق را غیرقابل تحمل کرده بود.»

همکاری ارشادی با کارگردانان مطرح سینمای ایران ادامه پیدا کرد. او در «درخت گلابی» مقابل دورین داریوش



همایون ارشادی، بازیگر سینمای ایران در ۷۸سالگی درگذشت

طعم گس گیلاس

بهنازشریانی

مهرجویی رفت. همکاری او با مهرجویی در فیلم‌های «آسمان محبوب»، «نارنجی‌پوش»، «چه خوبه که برگشتی» و «اشباح» ادامه پیدا کرد.

ارشادی همکاری و هم‌کلامی با داریوش مهرجویی را همواره یکی از افتخارات زندگی‌اش می‌دانست. او در گفت‌وگویی که سال گذشته با روزنامه شرق به بهانه سالگرد درگذشت داریوش مهرجویی داشت، به نکته‌ای درباره همکاری با مهرجویی اشاره کرد و گفت: «از زمان دانش‌جویی در ونیز که تازه فیلم «گاو» در فستیوال فیلم ونیز نمایش داده شد، با داریوش مهرجویی آشنایی پیدا کردم. البته نه آشنایی با خود داریوش مهرجویی، بلکه آشنایی با کار ایشان که فیلم «گاو» بود و از دیدن این فیلم خیلی لذت بردم و از آن به بعد بود که بارها کارهای ایشان را دنبال کردم. پیشنهاد بازی در فیلم «درخت گلابی» افتخاری بود که نصیب من شده بود. مخصوصا برای من که تازه وارد حرفه بازیگری شده بودم. می‌توان گفت داریوش مهرجویی فلسوفی بود که کارگردان شده بود و زندگی را آن‌قدر که بسیاری مشکل می‌گیرند خیلی راحت گرفته بود.»

اما بی‌شک یکی از برتعدادترین همکاری‌های ارشادی با تهیه‌نه میلانی بود. «کاکادو»، «واکنش پنجم» و «یکی از ما دو نفر» از جمله همکاری‌های ارشادی با تهیه‌نه میلانی است. میلانی در گفت‌وگو با «شرق» به‌ویژگی‌های شخصیتی همایون ارشادی اشاره کرد: «همایون ارشادی یک انسان واقعی بود و یک دوست خوب. زمینه آشنایی من با او قبل از حضورش در سینما بود. او یک معمار درجه یک و با همسرم دوست صمیمی بود و در فیلم «کاکادو» هم نقش یک معمار را بازی کرد. او برای من و همسر حکم برادر را داشت. سخت است بعد از ۳۴ سال رفاقت امروز از نبود او صحبت کنم.»

او ادامه داد: «خواهر و برادرهای او، مثل خواهر و برادر خودم بودند. همیشه بذلگو و ملایم بود و همیشه من را برای کار تشویق می‌کرد. خاطرات خوب همکاری و دوستی با همایون ارشادی همیشه با من خواهد بود و امروز که باید از نبود او صحبت کنم، یکی از بدترین روزهای زندگی من است.»
محمدعلی باشه‌آهنگر، کارگردان سینمای ایران که در دو فیلم «ملکه» و «سرو زیر آب» با همایون ارشادی تجربه همکاری داشت، درباره تجربه همکاری با او به «شرق» گفت: «خبر از دست دادن همایون ارشادی برای من سخت و باورنکردنی بود. یکی از ویژگی‌هایی که همیشه از او به خاطر دارم نظم فوق‌العاده و رفتار حرفه‌ای او بود. این ویژگی‌های شخصیتی همایون ارشادی

او را از دیگران کاملا متمایز می‌کرد». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «من افتخار داشتم در دو فیلم «ملکه» و «سرو زیر آب» با همایون ارشادی کار کردم... در فیلم «ملکه» او نقشی داشت که ما او را از فاصله بسیار دوری می‌دیدیم. شاید نزدیک به یک کیلومتر فاصله داشت اما تمام آن چیزهایی که با هم تمرین کرده بودیم مو به مو به انجام می‌داد و نقش را خوب ایفا کرد. در آن فیلم در لوکیشن‌های بسیار سختی کار کردیم اما او بی‌هیچ اعتراضی با آرامش و حس خوب تمام مدت فیلم کار کرد و همیشه سر وقت سر صحنه حاضر بود.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «یکی دیگر از همکاری‌های من با او در فیلم «سرو زیر آب» بود که آن هم نقش سخت و پیچیده‌ای بود. فیلمی که بسیاری از لوکیشن‌های ما در کویر بود و کار را برای همه ما سخت کرده بود و در این فیلم هم همایون ارشادی همکاری بسیار خوبی داشت. او در این فیلم باید به زبان محلی و زرتشتی صحبت می‌کرد و او ۴۵ روز لهجه وزبان را تمرین کرد. او مدام این لهجه را بر رتیم‌های مختلف ضبط کرده بود و برای خودش تکرار می‌کرد. ریتیم کند، متوسط و تند تا این آمادگی را داشته باشد تا بر حسب موقعیت از آن استفاده کند و با ریتیم مشخص همان سکانس بازی را پیش ببرد.»

باشه‌آهنگر ادامه داد: «حتی در این فیلم هم به لحاظ اقامت و اسکان با مشکلات متعددی روبه‌رو بودیم و همایون ارشادی علیرغم همه آن نظم و انضباطی که از او سراغ داشتیم، با گروه همکاری فوق‌العاده‌ای داشت. برای همایون ارشادی طلب مغفرت می‌کنم و متأسفم که سینما بازیگر خوبی مثل او را از دست داد.»

همایون ارشادی از جمله بازیگران سینمای ایران بود که چهره شناخته‌شده‌ای در عرصه سینمای بین‌الملل داشت. بازی در فیلم «بادبادک‌باز» به کارگردانی مارک فورستر از جمله فیلم‌هایی است که ارشادی در آن خوش درخشید. او در فیلم «سی دقیقه پس از نیمه‌شب» ساخته کاترین بیکلو حضور کوه‌ای داشت. او در سال ۲۰۱۴ پروژه تحت‌تعقیب‌ترین مرد به کارگردانی آنتوان کورین را بازی کرد و همچنین در سال ۲۰۱۶ در فیلم عاشقانه «علی و نینو» ساخت کشور انگلستان نقش آفرینی کرد.

جایزه بنیاد بولونلیج در بخش بازیگری در هفتادوششمین جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز، نامزد جایزه بهترین روایت جوایز بین‌المللی فیلم و ویدئو تورنتو برای بازی در فیلم آرمان‌شهر، نامزد جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد انجمن منتقدان فیلم دالاس فورت وورث برای بازی در فیلم «بادبادک‌باز» و نامزد جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد انجمن بازی‌شناسان آمریکا برای بازی در فیلم «بادبادک‌باز» از جمله افتخارات کارنامه هنری اوست.

مسئولیت دولت‌ها و حقوق شهروندان در بحران اقلیمی

سیدمهردادبنی‌هاشمی‌کهنگی

بحران اقلیمی و تأثیر آن بر حقوق بشر

تغییرات اقلیمی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های قرن ۲۱ است که نه‌تنها تهدیدی برای محیط زیست، بلکه برای حقوق بشر و عدالت اجتماعی نیز به شمار می‌رود. بحران‌هایی مانند سیلاب‌ها، خشک‌سالی‌ها و آلودگی‌های هوا و آب، به طور مستقیم زندگی میلیون‌ها انسان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در چنین شرایطی، مسئله اصلی این است که دولت‌ها چه مسئولیتی‌هایی در برابر این بحران دارند و چگونه می‌توانند حقوق شهروندان را در برابر آثار آن محافظت کنند.

مسئولیت‌های حقوقی دولت‌ها در مواجهه با تغییرات اقلیمی
دولت‌ها به‌عنوان نهادهای اصلی اجرایی و قضایی، مسئولیت‌های بزرگی در قبال تغییرات اقلیمی دارند. این مسئولیت‌ها نه‌تنها در راستای کاهش گازهای گلخانه‌ای و حفظ منابع طبیعی، بلکه در برابر حقوق شهروندان نیز باید پاسخ‌گو باشند. طبق اسناد بین‌المللی مانند پیمان‌نامه پاریس، کشورهای امضاکننده موظف‌اند تا اقداماتی برای کاهش آثار تغییرات اقلیمی انجام دهند. با این حال، بسیاری از دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به دلایل مختلف ازجمله فقر، کمبود منابع و فشارهای اقتصادی، قادر به اجرای این تعهدات نیستند. این مسئله به بحران‌های جدید حقوقی منجر شده است.
کشورهایی که بیشتر از دیگران از تغییرات اقلیمی آسیب می‌بینند، به‌ویژه کشورهای آسیایی و آفریقایی، با مشکلات جدی در زمینه حفاظت از حقوق مردم مواجه هستند. این مشکلات می‌توانند شامل دسترسی محدود به منابع آب، مشکلات بهداشتی، تخریب زیرساخت‌ها و کاهش تولید کشاورزی باشند. در چنین شرایطی، دولت‌ها موظف‌اند تا به طور جدی اقداماتی برای حمایت از حقوق شهروندان انجام دهند.

چالش‌های قانونی در بحران خسارات تغییرات اقلیمی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در این زمینه، فقدان نهادهای حقوقی کارآمد برای پیگیری شکایات اقلیمی است. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مردم به دلیل فقدان قوانین و سیستم‌های قضایی مناسب، قادر به مطالبه حقوق خود در برابر خسارات ناشی از تغییرات اقلیمی نیستند. به‌همین‌دلیل ضرورت دارد که در سطح ملی و بین‌المللی قوانین و ساختارهای قضایی جدیدی برای جبران خسارات اقلیمی ایجاد شود. این شامل تأسیس دادگاه‌های اقلیمی یا نهادهای ویژه برای حقوق شهروندان انجام دهند.

خبربرگزیده

جند پیام تسلیت برای درگذشت همایون ارشادی پیام تسلیت انجمن بازیگران سینمای ایران

در این پیام آمده است: «در سوگ هنرمند بزرگ همایون ارشادی، دل‌های ما آکنده از اندوه است. او با بازی‌های ماندگار خود در عرصه سینما و تلویزیون به هنر ایران وقار، اندیشه و احترام بخشید.

حضور نجیب و صدای آرامش، یادآور هنری بود از جنس تعهد و تفکر. سینمای ایران هرگز او را فراموش نخواهد کرد».

راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی، در پیامی درگذشت همایون ارشادی، بازیگر سینما را تسلیت گفت. در پیام راند فریدزاده آمده است: «درگذشت همایون ارشادی، بازیگر فرهیخته و بین‌المللی سینمای ایران را به جامعه هنری کشور، همکاران ایشان و خانواده محترم‌شان تسلیت می‌گویم. فقدان این هنرمند اندیشمند و تأثیرگذار برای سینمای ایران ضایعه‌ای تلخ و سنگین است. همایون ارشادی از چهره‌های متمایز سینمای ایران بود که در هر نقش، ترکیبی از وقار، سکوت و عمق درونی را به نمایش می‌گذاشت. بازی درخشان او در آثار ماندگاری چون «طعم گیلاس»، «درخت گلابی» و «سرو زیر آب» با همایون ارشادی کار کردم... در فیلم «ملکه» او نگاه جهانی و اندیشه‌ورز با حساسیت هنری خاص او بود. همایون ارشادی از آن دسته هنرمندانی بود که در قاپ تصویر، بدون اغراق و هیاهو، معنا می‌آفید و به تصویر شانی انسانی می‌بخشید. سینمای ایران چهره‌ای از نجابت، تفکر و سکوت و سکونت در معنا را از دست داد. از درگاه خداوند متعال برای این هنرمند فرهیخته آرامش جوادان و برای خانواده گرامی و دوستدارانش صبر و تسلی، مسئلت دارم. یاد و نامش در حافظه سینمای ایران ماندگار خواهد ماند».

پیام تسلیت مدیرعامل موزه سینما

فاطمه محمدی، مدیرعامل موزه سینمای ایران، در پیامی درگذشت همایون ارشادی را تسلیت گفت: «موزه سینمای ایران درگذشت هنرمند گران‌قدر، آقای همایون ارشادی را به خانواده محترم ایشان و جامعه فرهنگی و هنری کشور تسلیت عرض می‌کند. همایون ارشادی با بازی‌های درخشان و حضور تأثیرگذارش در مجامع بین‌المللی و سینمای جهان، نام خود را در تاریخ سینمای ایران و جهان جاودانه کرد. یاد و نام او، همچون نقش‌های آرام و ژرفش بر پرده تفره‌ای، در خاطره «دوستانران سینما و میراث فرهنگی ایران ماندگار خواهد ماند. یادش گرامی».

پیام تسلیت بنیاد سینمایی فارابی

حامد جعفری، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی نیز در پیامی درگذشت همایون ارشادی را تسلیت گفت. در متن پیام تسلیت حامد جعفری آمده است: «درگذشت هنرمند فرهیخته و ارزشمند، زنده‌یاد همایون ارشادی، موجب اندوه عمیق و خسران فراوان جامعه فرهنگی و سینمایی کشور شد. آقای ارشادی از چهره‌های ماندگار سینمای ایران بودند که با حضور مؤثر و نقش‌آفرینی‌های متمایز خود، در شکل‌گیری بخشی از خاطرات تصویری نسل‌های سینمادوست ایران عزیز سهمی درخشان داشتند و بی‌تردید، بخشی از تصویر اخلاق‌مدار و نجیب سینمای ایران در جهان، به واسطه حضور هنرمندانی چون ایشان شکل گرفته است. نام و یاد زنده‌یاد همایون ارشادی با آثاری گره خورده است که در حافظه جمعی سینمای ایران جایگاهی ویژه یافته‌اند؛ آثاری که در آنها وقار، خلوص و منش انسانی این هنرمند، به زیبایی در قاب تصویر ماندگار شده است.

اینجانب به نمایندگی از بنیاد سینمایی فارابی، درگذشت این چهره فرهیخته را به خانواده محترم ایشان، جامعه هنری کشور و همه دوستداران فرهنگ و سینمای ایران تسلیت عرض می‌کنم و امید دارم تلاش صادقانه آن هنرمند فقید در مسیر اعتلای سینمای ایران عزیز، باقیات‌الصالحاتی برای زنده‌یاد ارشادی باشد.»

پیام تسلیت خانه سینما

«خانه سینما درگذشت این هنرمند سینما، تئاتر و تلویزیون را به جامعه هنری تسلیت گفته و برای خانواده و بازماندگان آن مرحوم آرزوی صبر و آرامش دارد».
همایون ارشادی بازیگر سینمای ایران بعد از یک دوره بیماری ۲۰ آبان دار فانی را وداع گفت.